

تحلیل گفتمان شبکه کودک «جم جونیور» در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه

مسعود کوثری^۱، امیرعلی تفرشی^۲

چکیده

اقبال روزافزون مخاطبان ایرانی به شبکه‌های ماهواره‌ای، لزوم مطالعه محتوای این شبکه‌ها را - بالأخص مطالعه شبکه‌های کودک که کمتر مورد تحقیق قرار گرفته‌اند - دوجندان کرده است. بر این مبنا شبکه جم جونیور، به‌عنوان مطرح‌ترین شبکه ماهواره‌ای پخش برنامه‌های کودک به زبان فارسی، برای مطالعه در نظم گفتمانی محل مناقشه‌ی «هویت مطلوب زنانه» انتخاب شد. با استفاده از قابلیت‌های تحلیلی نظریه گفتمان لاکلا و موف^۳، سه برنامه شبکه جم جونیور با عناوین «باربی؛ زندگی در خانه رؤیایی»، «رقصندگان آسمان» و «اسکوبی دو؛ راز گنجینه» مورد مطالعه قرار گرفتند. در انیمیشن باربی، «زیبایی و جذابیت» به‌عنوان دال مرکزی برنامه شناسایی شد و در دو انیمیشن دیگر، دال گفتمانی «اجتماعی بودن» به‌عنوان دال مرکزی شناسایی شد. در برآیند کلی مطالعه گفتمان این شبکه، مشخص گردید که دال مرکزی مجموع برنامه‌های مطالعه شده در نظم گفتمانی هویت زنانه «اجتماعی بودن» است. این در حالی است که دال‌های پیرامونی دیگری نیز چون «فردگرایی»، «روابط میان جنسیتی» - روابط آزاد، غیررسمی و بر اساس دوستی -، «اخلاق‌مداری»، «زیبایی و جذابیت» - به تعریف پوشش آزاد، اندام نما و نیمه برهنه - و ... منظومه گفتمانی این شبکه را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند. این گفتمان دیگری‌هایی را نیز برای خود متصور است که اغلب در قالب هویت‌هایی بی‌اخلاق، شرور و شیطانی، ضد انسانیت و ... تصویر می‌شوند، که به‌حسب مذمومیت مطلق این‌گونه دال‌ها، نشانه‌های کمتر بدیهی دیگری مانند عدم اجتماعی بودن، احساساتی نبودن و ...، با آنها پیوند می‌خورد. این پیوندهای گفتمانی در واقع محل‌های نزاع اصلی گفتمان شبکه جم جونیور را تشکیل می‌دهند.

واژه‌های کلیدی

شبکه جم جونیور، هویت زنانه، تحلیل گفتمان، لاکلا و موف، اجتماعی بودن

زمان دریافت: ۹۵/۰۹/۰۳ زمان پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۸

Mkousari@ut.ac.ir

۱. دانشیار ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

Amiralitafreshi@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

3. Ernesto Laclau and Chantal Mouffe

مقدمه

استفاده از فضای رسانه‌ای ایجاد شده توسط ابزارهای ماهواره‌ای، به سرعت در حال گسترش در میان حاکمیت‌های ملی، نهادهای مذهبی، کارتل‌های اقتصادی و گروه‌های سیاسی در جهت اثرگذاری بر اساس مقاصد خود است. حضور ایران در منطقه سوق‌الجیشی خاورمیانه، با گروه‌های نژادی مختلف، ادیان و مذاهب گوناگون و تمرکز حاکمیت‌های ملی در سراسر جهان برای تسلط بر افکار عمومی آن و اثرگذاری بر آنها، باعث حضور و استفاده دوجندان نهادهای مذکور از ابزار رسانه‌ای ماهواره با اهداف و نیت‌های مختلف گشته است.

با این وضع، ظهور شبکه‌های فارسی بر روی ماهواره، مسئله‌ای نیست که بتوان از آن به‌عنوان اتفاق جدیدی یاد کرد؛ اما آنچه در این میان تازگی دارد، حضور شبکه‌هایی حرفه‌ای و قدرتمند با منابع مالی مبهم است که لزوم انجام مطالعه‌ای را درباره پیام‌های ارسالی از این شبکه‌ها، صدچندان کرده است.

در این میان تحقیقات گوناگونی در رابطه با فرایند برقراری ارتباط میان شبکه‌های ماهواره‌ای و مخاطبان‌شان صورت گرفته است؛ اما اغلب مطالعاتی که تاکنون در حوزه مطالعه محتوا یا مخاطب شبکه‌های ماهواره‌ای وارد شده‌اند، شبکه‌هایی با محوریت حوزه‌های خبری، سیاسی و با مخاطب بزرگ‌سال را مورد مطالعه قرار داده‌اند (رضایی و افشار، ۱۳۸۹) (جعفرزاده‌پور و دیگران، ۱۳۸۸) (رضایی و کاظمی، ۱۳۸۷) (معینی‌فر، ۱۳۸۸) (پیرنجم‌الدین و دیگران، ۱۳۸۹) و کمتر به سراغ بررسی شبکه‌های ماهواره‌ای که با مخاطب هدف کودک به پخش برنامه می‌پردازند، قدم گذاشته‌اند. از معدود مطالعاتی که به حوزه برنامه‌های کودک پرداخته شده است، مطالعه ده‌صوفیانی به سال ۱۳۹۲ است که این مطالعه نیز بر روی فیلم‌های انیمیشن دیزنی صورت گرفته است، و «شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان کودک» موضوع پژوهش نبوده است. بر همین اساس، خلأ تحقیقاتی در رابطه با مطالعه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان که مخاطب کودک را برای هدف‌گذاری انتخاب کرده‌اند، در فضای علمی و پژوهشی کشور کاملاً احساس می‌شود.

اقبال کمتر به پژوهش در رابطه با شبکه‌های ماهواره‌ای با مخاطب کودک، در حالی است که سال‌های اخیر محل آغاز فعالیت چندین شبکه پخش برنامه‌های کودک در فضای ماهواره بوده است. شبکه‌های پرشین‌تون، جم‌جویور، فور یو کارتون، هدهد فارسی، قاصدک از جمله شبکه‌هایی هستند که به پخش برنامه‌های خود برای کودکان فارسی‌زبان مشغول‌اند. با توجه به

گسترش روزافزون گرایش خانواده‌های ایرانی به ماهواره و همسان با رشد شبکه‌های پخش برنامه‌های بزرگسال؛ پیش‌بینی می‌شود روند رو به رشد جدی‌تری در سال‌های آینده به گروه سنی کودک و ساخت برنامه‌های مناسب این قشر در پیش باشد، که این مسئله اهمیت مطالعه درباره محتوای ارسالی از این شبکه‌ها را دوچندان می‌کند.

در این میان حوزه نظم گفتمانی «هویت زنانه» یکی از مهم‌ترین و پر مناقشه‌ترین حوزه‌های قابل‌بررسی است. هویت زنان، به‌واسطه تحولات جهان مدرن، دچار تغییرات جدی شده است. در کنار دگرگونی‌ها و تحولات فرهنگی، دگرگونی‌های اقتصادی و مشارکت زنان در کارهای درآمدزا و ازدیاد فرصت‌های تحصیلی و آموزشی ملازم با آن، موجب تعدد اجتماعات و گروه‌ها و روابط اجتماعی و تعلقات گروهی زنان شده و در نتیجه تعدد و تکثر منابع هویت‌سازی زنان را در پی داشته است (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۷۲-۷۱). در این وضعیت گفتمان‌های مختلف سعی در مرجع‌سازی خود به‌عنوان منابع هویت‌ساز دارند تا بتوانند معانی خود در این نظم گفتمانی را هژمونیک سازند.

با این وصف اهمیت دارد که بدانیم شبکه‌های ماهواره‌ای مخصوص کودکان به‌عنوان یکی از منابع تغذیه‌ای فرهنگی آنها - علاوه بر نهادهای خانواده، مدرسه، دوستان و ... - چه معانی گفتمانی در حوزه هویت زنانه را از طریق برنامه‌های خود برای کودکان ایرانی - بالأخص دختران - اشاعه می‌دهند. با توجه به انتخاب یکی از پرمخاطب‌ترین شبکه‌های کودک یعنی شبکه جم‌جونور^۱ به‌عنوان شبکه مورد مطالعه در این پژوهش، قصد این است که گفتمان موردنظر شبکه جم‌جونور مورد مطالعه قرار بگیرد و مشخص گردد با توجه به سیاست شبکه جم‌جونور در پخش برنامه‌های کودک، این شبکه خواهان این است که چه بازنمایی از هویت مطلوب زنانه، برای اقناع و اشاعه میان مخاطبان خود منتشر سازد و چه گفتمان‌هایی را مورد واسازی قرار می‌دهد. این در حالی است که شبکه مذکور با وجود ادعای خود مبنی بر پخش برنامه کودک، گهگاه برنامه‌هایی در گروه‌های سنی نوجوان را نیز پخش می‌کند^۲؛ که این مسئله می‌تواند

۱. شبکه تلویزیونی جم‌جونور شبکه تلویزیونی فارسی‌زبانی است که از سال ۲۰۱۲ میلادی آغاز به کار کرده و به پخش انیمیشن و سریال کودکان می‌پردازد. هدف ادعایی این شبکه ایجاد تفریح و سرگرمی سالم برای کودکان و نوجوانان ایرانی و تمام‌پارسی‌زبانان جهان است. این شبکه از جمله زیرمجموعه‌های شبکه‌های جم است. بی‌نام (۱۳۹۶). جم‌تی‌وی. ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد - فارسی، ۶ فروردین، ۱۳۹۶. (دسترسی در ۱۱/۱۱/۱۳۹۶)

۲ این مسئله برای برنامه‌های شبکه دیگر گروه جم با نام شبکه «جم‌تین: GEM TEEN» نیز صادق است و این شبکه اقدام به پخش برنامه‌های بزرگ‌سال برای نوجوانان و جوانان می‌کند. شبکه جم تین در تبلیغات خود، بازه سنی مخاطب خود را افراد ۱۴ تا ۲۴ سال معرفی می‌کند؛ این در حالی است که این رده‌بندی سنی حتی با توجه به رده‌بندی‌های سنی کشورهای چون آمریکا نیز خلاف عرف عرضه محصولات فرهنگی تلقی می‌شود و برنامه‌های عرضه‌شده برای سن بالای ۱۷ یا ۱۸ سال، به‌هیچ‌عنوان اجازه عرضه برای سنین پایین‌تر را پیدا نمی‌کنند.

تأثیرات فرهنگی و واسازیِ گفتمانیِ چنین شبکه‌هایی را - به نسبت آنچه در جامعه امروز ایران رخ می‌دهد - بیش‌ازپیش دارای اهمیت کند. این تزاخم فرهنگی می‌تواند منجر به مشکلاتی اجتماعی چون؛ «بلوغ زودرس» و ایجاد «ناهنجاری‌های اجتماعی» به نسبت فرهنگ عمومی جامعه ایران شود.

چارچوب مفهومی

نظریه گفتمان ارائه‌شده از سوی ارنستو لاکلا و شانتال موف به‌عنوان ادامه نظریه گفتمان پساساختارگرایی فوکو^۱، یکی از نظریه‌های روش‌های رایج در تحلیل گفتمان است. این دو متفکر را پسامارکسیست، پساساختارگرا و برخی دیگر پسامدرنیست سوسیالیست نامیده‌اند (سروری، ۱۳۹۲:۱۸۳) (کلاتری، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۳۳).

از نظر لاکلا و موف فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. در حقیقت «برداشتی که لاکلا و موف از گفتمان دارند، مؤید شخصیت رابطه‌ای هویت است. معنای اجتماعی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به بافت کلی‌ای که اینها خود بخشی از آن هستند می‌توان فهمید. هر معنایی را تنها با توجه به عمل کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی {که در آن قرار دارد} باید شناخت» (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

ازجمله مفاهیم اصلی نظریه گفتمان لاکلا و موف، مفصل‌بندی^۲ است. مفصل‌بندی یک واژه دیرینه است، و در بسیاری از موارد، این واژه برخی شیوه‌های اتصال بخش‌هایی را نشان می‌دهد تا یک «واحد» را شکل دهند (مرادی، ۱۳۹۰: ۲۹) و حتی در بُعد فنی هم به اشتراک و اتصالی که دارای امکان حرکت باشد، گفته می‌شود (Oxford, 2010: 72). مفصل‌بندی توانسته است، مطالعات فرهنگی را از یک الگوی ارتباطی (تولید/متن/مصرف؛ رمزگذاری/رمزگشایی) به یک نظریه زمینه^۳ محور تغییر شکل دهد (Grossberg, 1993: 4).

لاکلا و موف خود مفصل‌بندی را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«مفصل‌بندی را به هر کرداری اطلاق می‌کنیم که میان عناصر {مختلف} رابطه‌ای ایجاد

1. Michel Foucault
2. Articulation
3. Contexts

می‌کند که طی آن هویت آنها در نتیجه این کردار مفصل‌بندی تغییر می‌کند. کلیتی را که در نتیجه کردار مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان می‌نامیم» (لاکلا و موف، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

در گفتمان، مواضع مبتنی بر تفاوت تا زمانی که در قالب یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشند^۱ یا دال پیرامونی نامیده می‌شود. لاکلا و موف کلیه حالت‌های ممکن یا معانی احتمالی نشانه‌ها را که گفتمان طرد می‌کند، «میدان گفتمان» یا «حوزه گفتمان گونگی» می‌نامند (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۶).

این اصطلاح بر شکل رابطه‌اش با هر گفتمان واقعی اشاره دارد: حوزه گفتمان گونگی، هم‌زمان خصلت ضرورتاً گفتمانی هر اثره، و عدم امکان اینکه گفتمانی معین دوخت نهایی را موجب شود، تعیین می‌کند (لاکلا و موف، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

یورگنسن و فیلیپس^۲ بنا به این مسئله که میدان گفتمان به حوزه‌ای اشاره دارد که نشانه‌های بی‌ارتباط با گفتمان حاضر نیز می‌توانند در آن جای بگیرند، و این نشانه‌ها ارتباطی با آن گفتمان خاص پیدا نمی‌کنند و به عبارتی رقیبی نشانه‌ای برای معانی تثبیت‌شده در گفتمان خاص نیستند، این مفهوم را طرد می‌کنند و از مفهوم نظم گفتمانی فرکلاف استفاده می‌کنند.

بر این اساس نظم گفتمانی را می‌توان چنین تعریف کرد که: گفتمان‌ها به دنبال هژمونیک کردن معانی خود، در بستری از معانی هستند. برای این منظور گفتمان‌ها هر زمان که بخواهند بروزی داشته باشند، باید در حوزه‌ای خاص تعریف شوند؛ بدین معنی که گفتمان‌ها عموماً درباره همه چیز نمی‌توانند سخن بگویند و نزاع کنند، بلکه در هر جزئی و کلیتی که باشند، به هر حال لاجرم درباره چیزهایی صحبت می‌کنند و درباره چیزهایی صحبت نمی‌کنند. به عبارت دیگر، در یک بستر معنایی صحبت می‌کنند و در بسترهای معنایی بسیاری دیگر صحبت نمی‌کنند. به آن بستر معنایی که هر گفتمان برای صحبت انتخاب می‌کند و در آن بستر به جدال برای هژمونیک کردن معانی خود می‌پردازد، نظم گفتمانی گفته می‌شود. برای مثال زمانی که از نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه سخن می‌گوییم، گفتمان‌هایی در این نظم گفتمانی یا بستر معنایی حضور دارند که با استفاده از مشخصه‌ها و زمینه‌هایی که آن بستر در اختیارشان قرار می‌دهد، به نزاع می‌پردازند. در این بستر، پیش از این، سوالاتی باید پاسخ‌داده‌شده باشد و تثبیت در بعضی معانی

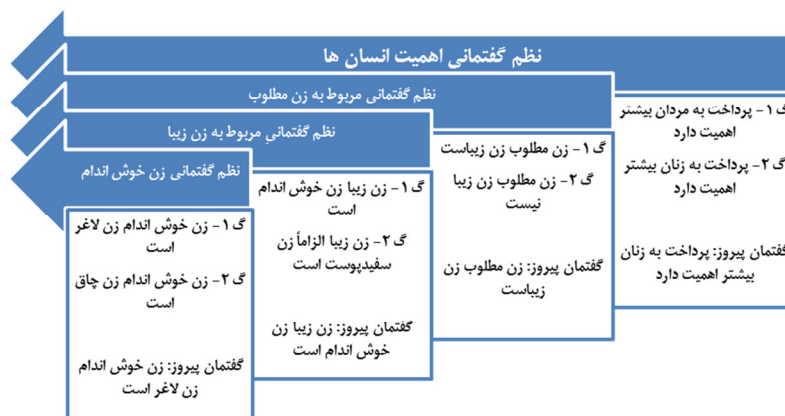
1. Moment

2. Marianne Jorgensen and Louise Phillips

صورت گرفته شده باشد، که چنین نشانه‌ای (هویت زنان) برجسته شده باشد. پاسخ‌هایی از این جنس که زنان اهمیت دارند و باید مورد توجه قرار بگیرند، و آنها نیازمند داشتن هویتی مشخص و مجزا از مرد هستند^۱. در زمانی که به این سوالات پاسخ داده شد و معانی مورد تثبیت قرار گرفت، گفتمان‌ها به دنبال این می‌روند که بگویند چه هویتی مطلوب زنان است. در حقیقت در بستر این معانی است که پرداخت به زنان در رسانه و هویت‌سازی برای آنها و از طرف دیگر مطالعه آن برجسته می‌شود؛ تا مشخص گردد کدام گفتمان چه هویتی از زنان مورد توجه دارد.

با استفاده از مفهوم نظم گفتمانی، می‌توان چنین برداشتی داشت که در ابتدا گفتمان‌هایی وجود دارند، سپس از محل نزاع این گفتمان‌ها گفتمانی پیروز شده و معنای خود را در نزد افکار عمومی هژمونیک می‌کند. سپس بر مبنای همان معنای هژمونیک شده، گفتمان‌های مختلفی برای تعبیر چگونگی رسیدن به منظور آن گفتمان شکل می‌گیرند و دوباره با یکدیگر نزاع می‌کنند و این سیکل می‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد. در این وضعیت، می‌توان چنین تعبیر کرد که در واقع نظم گفتمانی جدیدی شکل گرفته است.

در اینجا هر گفتمانی که معنای خود را هژمونیک می‌کند، تبدیل به نظم گفتمانی برای گفتمان‌های داخل خود می‌شود و تعریف‌های مختلفی که می‌تواند به هدف دال مرکزی گفتمان قبلی دست یابد - که حالا نظم گفتمانی شده است - به عنوان هویت‌های گفتمانی مطرح می‌شوند.



تصویر ۱. مدلی انتزاعی از گفتمان‌ها و نظم‌های گفتمانی

۱. این سوالات فارغ از مقدماتی ابتدایی‌تر چون «اهمیت داشتن انسان» و «مطلوبیت هویتی مشخص داشتن» مطرح می‌شود. این مقدمات مفروضات سوالات جدیدتر هستند.

عنصرها نشانه‌هایی‌اند که معنایشان هنوز تثبیت نشده است؛ یعنی نشانه‌هایی که بالقوه معنی متعددی دارند (برای مثال چندمعنایی‌اند). گفتمان تلاش می‌کند عنصرها را با کاستن از حالت چندمعنایی‌شان به وضعیتی که معنای ثابتی داشته باشند بدل کند (یورگنسن، ۱۳۹۳: ۷۷)؛ اما بست هیچ‌گاه نهایی نیست: انتقال از عناصر به بعد هیچ‌گاه کامل نیست (لاکلا و موف، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

مبنای تشکیل هر گفتمانی، تلاش برای تسلط بر حوزه گفتمان گونگی برای جلوگیری از جریان تفاوت‌ها و ساخت یک مرکز است. لاکلا و موف نقاط گفتمانی ممتاز این تثبیت نسبی را نقطه‌گره یا گرگاه (به تعبیری دیگر دال مرکزی) می‌نامند (Laclau and Mouffe, 1985: 112).

هژمونی یک مفهوم کلیدی در نظریه گفتمان است. لاکلا و موف از انعطاف‌پذیری رابطه میان دال و مدلول استفاده سیاسی می‌کنند و آن را به مفهوم هژمونی پیوند می‌زنند. به این ترتیب اگر مدلول خاصی به دالی نزدیک شود و در نتیجه بر سر معنای خاصی برای یک دال در اجتماع اجماع حاصل شود، آن دال هژمونیک می‌شود و با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان کل آن گفتمان به هژمونی دست پیدا می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۳).

ساختار شکنی یا «واسازی»، مفهومی که از دریدا به عاریت گرفته شده است، به عنوان تهدیدی برای ثبات معنایی گفتمان رخ می‌نمایاند. این مفهوم بر این امر تأکید دارد که برای از بین بردن هژمونی و سلطه یک گفتمان باید ثبات معنایی آن را از بین برد تا زمینه تغییر «وقته» به دال شناور فراهم آید. (کسرای، ۱۳۸۸: ۳۵۱).

با توجه به موضوع مطالعه این پژوهش در نظم گفتمانی «هویت زنانه»، لازم است نگاهی نیز به تحولات هویتی و معنایی در حوزه زنان بیندازیم. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کوتاهی بدان شد، در حوزه هویت زنان، به واسطه تحولات جهان مدرن، تغییرات جدی ایجاد شده است. در کنار دگرگونی‌ها و تحولات فرهنگی، دگرگونی‌های اقتصادی و مشارکت زنان در کارهای درآمدزا و ازدیاد فرصت‌های تحصیلی و آموزشی ملازم با آن، موجب تعدد اجتماعات و گروه‌ها و روابط اجتماعی و تعلقات گروهی زنان شده و در نتیجه تعدد و تکثر منابع هویت‌سازی زنان را در پی داشته است. این فرایند تأثیر عمیقی هم بر نهادهای جامعه و هم بر آگاهی زنان گذارده و سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی در خانواده پدرسالار به‌ویژه در میان زنان تحصیل‌کرده و شاغل می‌شود. ساختار سنتی خانواده که عمدتاً مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی است در دهه‌های

اخیر در اثر فرایندهای جدایی‌ناپذیر و به هم‌بسته کار و آگاهی زنان زیر سؤال رفته است. تحصیلات عالی و اشتغال زنان، از سویی، باعث کسب ارزش‌ها و نگرش‌ها و برداشت‌های جدید و از سوی دیگر، سبب دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی با نقش‌های جدید شده و به تعارض هویت اجتماعی زنان منتهی می‌گردد؛ به‌ویژه در بخش‌هایی از جامعه که بیشتر در معرض این تغییرات نهادی و فرهنگی قرار گرفته‌اند. هویت‌یابی که پیش‌از این تحولات و در جامعه سنتی عمدتاً منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتسابی به‌ویژه جنسیت بود و توسط سنت و نهادهای اجتماعی، دینی و سیاسی که نظام‌های معنایی مشخصی را تولید می‌کردند شکل می‌گرفت، تحت تأثیر عرضه انبوه منابع اجتماعی و فرهنگی هویت‌آفرین، وسعت یافتن روابط اجتماعی و تعلقات گروهی و آزادی و استقلال نسبی آنها در خانواده، صورتی فعالانه و غالباً آگاهانه و تأملی (بازاندیشانه) به خود می‌گیرد (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۷۲-۷۱). با توجه به این رویکرد جدید فعالانه، و فارغ از در نظر گرفتن منابع سنتی هویت‌ساز که به حاشیه رفته‌اند، زنان به دنبال کسب هویت‌های جدید هستند و در این میان گفتمان‌های مختلف سعی در سوژه کردن آنها - حتی با اهمیت دادن و پاسخگویی به رویکرد فعالانه زنان، اما در بطن، انقیاد گفتمانی به‌واسطه ایجاد مفصل‌بندی حقیقت بر ساخته - برای گفتمان خود دارند.

لازم به ذکر است، نحوه بازنمایی زنان در رسانه‌ها از مباحث انتقادی نسبت به موضوع زنان و رسانه‌ها بوده است که در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد. در حالی که موج اول فمینیسم در اوایل دهه ۱۹۲۰، در مورد کسب آزادی‌های زنان از طریق کسب حق رأی و به دست آوردن حق مالکیت و شغل، دعاوی را ارائه می‌کرد، موج دوم راجع به زنان تحت ستم در جامعه‌ای صحبت می‌کرد که با دیدگاه‌های مردسالارانه تعریف شده بودند. بحث‌های موج دوم در مورد بازنمایی زنان در رسانه‌ها و توجه به معنایی بود که برای زن بودن به خاطر تفاوت‌های بیولوژیکی‌شان با مردان در رسانه‌ها به وجود می‌آمد. بازنمایی زنان با ویژگی‌های خاص فیزیک بدنی یا ویژگی خاص چهره و رنگ پوست و همچنین نشان دادن زنان با صفات خاص رفتاری مانند بدجنسی و حسادت از انتقادات اصلی آنها بوده است (عموزاده و اسفندیاری، ۱۳۹۱: ۱۲۳). در این میان، پژوهش پیش‌رو فارغ از ارزش‌گذاری در خصوص گفتمان‌های مختلف در این نظم گفتمانی، اما با حساسیت نظری در مقایسه با دال‌های گفتمانی حاضر در آن، قدم به ورطه مطالعه شبکه جم‌جویور می‌گذارد.

روش تحقیق

عمدتاً نظریه‌های تحلیل گفتمان را هم به‌مثابه روش در نظر می‌گیرند و هم به‌مثابه نظریه و تفکیک چندان روشنی بین این دو در تحلیل گفتمان وجود ندارد، و نمی‌توان این دو را از هم جدا کرد (Paul Gee, 1999). در حقیقت همان مفاهیمی که به‌عنوان نظریه مبنای تحلیل قرار می‌گیرد، به‌عنوان روش‌هایی برای تحلیل کنش‌های اجتماعی که در این تحقیق کنش رسانه‌ای فهم می‌شود نیز، استفاده می‌شود. در اینجا پژوهشگر باید با ابتکار عمل شخصی خود و استفاده از مفاهیم نظریه، که بعضاً به‌عنوان روش هم استفاده می‌شود، به نتیجه دست پیدا کند.

این مسئله بالأخص در نظریه گفتمان لاکلا و موف نمود پیدا می‌کند؛ در واقع برای تحلیل مبتنی بر این نظریه روش، محقق باید درک جدی و عمیق نسبت به موضوع داشته باشد تا بتواند صورت‌بندی‌های گفتمانی را درک کند و دال‌های آن‌را کشف کند. این در حالی است که رویکردهای دیگر تحلیل گفتمان که مبنای پژوهش‌های بسیاری بوده‌اند (Addie & Brownlow, 2014) (Bahaa-eddin, 2008) (Duits, 2010) (Martins & Harrison, 2010) (Wodak, 2010)، مانند رویکرد تحلیل‌گران انتقادی گفتمان (فرکلاف، ون‌دایک، وداک و ...) چارچوب مشخص‌تری برای تحلیل دارند که تا حدی از ابتکار عمل توسط محقق می‌کاهد.

برای آن‌که روش مطالعه حاضر به بحث گذاشته شود، لازم است درباره چند مفهوم توضیح داده شود. منظور از دال گفتمانی «هر آن چیزی است که توسط گفتمان به صورتی بدیهی شده فرض می‌شود». فرض بدیهی می‌تواند دارای سطوح متفاوتی، از رسوبات گفتمانی عمیق، تا دال‌هایی که به‌شدت محل منازعه گفتمان‌های حال حاضر است، باشد. همچنین مفروضات بدیهی در دو حالت به وقوع می‌پیوندند. ۱) امر مطلوب: امری که مورد تأیید گفتمان قرار می‌گیرد؛ ۲) امر مذموم: امری که مورد مذمت گفتمان قرار می‌گیرد. این مفروضات بدیهی، در پژوهش حاضر که با یک محتوای تلویزیونی سروکار دارد، اعم از صدای زمینه، دیالوگ شخصیت‌ها و تصویر است. در حقیقت دال گفتمانی نه تنها از متن گفتگوی شخصیت‌ها بلکه از هر عنصری که پژوهشگر بتواند به فرضی بدیهی شده در متن برسد، استخراج می‌شود.

نوبت به چگونگی احصاء دال‌های گفتمانی می‌رسد. درک دال‌های گفتمانی در این پژوهش به حسب دو الگوی، ۱) واسازی اجزای صریح پرکتیس گفتمانی؛ ۲) و درک دال گفتمانی به حسب درک معانی زمینه‌ای صورت می‌گیرد. در وضعیت دوم دال‌های گفتمانی صریح نیستند و

پژوهشگر باید به واسطه درکی که از بافت معنایی که نشانه‌ها در آن مطرح می‌شوند، به استخراج دال‌های گفتمانی بپردازد. بعد از استخراج دال‌های گفتمانی که می‌تواند به دو صورت دال شناور (دال خام و بدون پیوند؛ مانند: آزادی) یا دال پیوند خورده با دالی دیگر (مانند: آزادی در دموکراسی است) صورت گیرد، نقشه مفصل‌بندی گفتمان ترسیم می‌شود. این نقشه از پیوند دال‌های خام با یکدیگر و شکل‌گیری یک دال جهت‌دار تشکیل می‌شود.

جامعه موردبررسی این پژوهش برای مطالعه گفتمان شبکه جم‌جونپور، ۴ هفته در بازه زمانی ۱۳۹۴/۶/۲۱ الی ۱۳۹۴/۷/۱۸ است که بنا به تشخیص پژوهشگر، برنامه‌هایی که مرتبط‌تر با نظم گفتمانی «هویت مطلوب زنانه» باشند، برگزیده شده‌اند.

از آنجا که هدف تحلیل گفتمان تعمیم‌یافته‌ها نبوده، بلکه هدف دستیابی به دلالت‌ها است، در این پژوهش سعی شده است از روش «نمونه‌گیری هدفمند» استفاده شود. منطق و قدرت این نوع نمونه‌گیری به این مسئله بازمی‌گردد که نمونه‌های انتخاب‌شده بیشترین میزان اطلاعات را بر اساس سؤال پژوهش فراهم آورند. این توجه ویژه به هدف پژوهش موجب نام‌گذاری این نوع نمونه‌گیری به نمونه‌گیری هدفمند شده است. نمونه‌گیری هدفمند که به آن نمونه‌گیری غیراحتمالی، هدف‌دار یا کیفی نیز می‌گویند، به معنای انتخاب هدف‌دار واحدهای پژوهش برای کسب دانش یا اطلاعات است. این نوع از نمونه‌گیری شامل انتخاب واحدهای پژوهش بر اساس هدف پژوهش و نه تنها به صورت تصادفی است (رنجبر، ۱۳۹۱: ۲۴۰). یکی از انواع متداول نمونه‌گیری هدفمند که در این پژوهش نیز معیار بوده، «نمونه‌گیری متوالی» است که شامل انتخاب یک سلسله از محتوای تولید شده در طول یک دوره زمانی خاص است (رایف، ۱۳۸۸: ۹۸).

مجموعاً ۳ کارتون شبکه جم‌جونپور برای تحلیل گفتمان انتخاب‌شده، که سعی شده است تمام قسمت‌های کارتونها - در بازه مدنظر - مشاهده گردد و هویت گفتمانی مطلوب زنانه از خلال این قسمت‌ها شناسایی شود. طبیعتاً قسمت‌هایی از هر کارتون بیشتر مدنظر قرار گرفته است که صحنه‌هایی مرتبط با نظم گفتمانی هویت زن مطلوب را دارا باشد. برنامه‌هایی که در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، به این شرح می‌باشند: الف) باربی؛ زندگی در خانه رویایی ب) رقصندگان آسمان ج) اسکوبی دو؛ راز گنجینه.

۱. مثال‌ها با توجه به معنای عرفی فعلی مطرح‌شده‌اند. در موقعیت زمانی جغرافیای دیگری همین دال «آزادی در دموکراسی» می‌تواند دال خام تلقی شود.

یافته‌های پژوهش

الف) «باربی؛ زندگی در خانه رؤیایی»: ۱ و ۲

خلاصه داستان: باربی دختر عروسکی بسیار زیبایی است که با دو خواهر کوچک‌ترش زندگی می‌کند. باربی دوستان دختر و پسر بسیاری دارد؛ در واقع شخصیت باربی آن‌چنان محبوب است که کمتر کسی در مقابل دوستی و مهربانی او می‌تواند به او علاقه‌مند نباشد. از میان دوستان باربی، سه شخصیت حضور دارند که محوریت بسیاری از ماجراها را به خود اختصاص می‌دهند. اولین شخصیت «کین» دوست پسر باربی است که آن دو علاقه بسیاری به هم دارند؛ همچنین «رکال» و «رایان» برادر و خواهری که عموماً برای باربی و کین در دسر درست می‌کنند. رکال دختری است که همیشه حسرت زیبایی و محبوبیت باربی را می‌خورد و همواره در قسمت‌های مختلف سعی دارد دوست پسر باربی - کین - را به چنگ بیاورد. از طرفی برادر وی رایان نیز عاشق باربی است و دوست دارد جای کین - دوست پسر فعلی باربی - را بگیرد. روایت اصلی داستان به ماجراهای باربی و دوستانش می‌پردازد و اینکه باربی چگونه میان آنها اخلاق‌مدارانه و مهربانانه برخورد می‌کند، و باربی و دوستانش چگونه روزگار را با هم به‌خوبی سپری می‌کنند.

تحلیل گفتمان «باربی؛ زندگی در خانه رؤیایی»:



تصویر ۲. باربی؛ زنی زیبا، جذاب و اجتماعی (منبع: شبکه جم‌جونپور)

با مشاهده کارتون باربی در همان لحظات اول متوجه می‌شویم که «زیبایی» چه مقدار در این کارتون محوریت دارد. زیبایی عنصر اساسی ارتباطات اجتماعی است و هر که زیباتر باشد دوستان بیشتر و محبوبیت بیشتری دارد. در این حال به‌حسب بازنمایی برنامه، گفتمان مقابل باربی محل نزاع خود را - به‌حسب عینیت یافته بودن پیوند زیبایی با زنان - عدم زیبایی تعریف نمی‌کند، بلکه گفتمان مقابل زیبایی کامل، «کمتر زیبا بودن است»؛ در این وضعیت پیوندی قوی میان زن و زیبایی پرداخت شده است که زن در خارج از وضعیت زیبایی - زیبایی که مورد توجه قرار بگیرد

^۱. Barbie: Life in the Dreamhouse

^۲. محصول کشور: امریکا، کمپانی سازنده: آرک پروداکشن و ماتل، سال ساخت: ۲۰۱۲، پخش از جم‌جونپور در ساعت: متغیر.

- به هیچ عنوان حضوری ندارد و تنها زنان دیگری حضور دارند که به نسبت باری کمتر زیبا هستند. اما در کنار زیبایی، دال‌های شناور دیگری نیز در گفتمان مطلوب زنانه مفصل‌بندی شده‌اند. صمیمیت و مهربانی از جمله این دال‌ها است. گاهی در این صمیمیت تواضع نیز دیده می‌شود اما آن قدر نیست که بتوان مطلوبیت زیبایی را مشروط به تواضع دانست. همان‌طور که باری در اکثر اوقات با اعتمادبه‌نفس درباره زیبایی خود صحبت می‌کند یا آن‌را به رخ می‌کشد. در اینجا در حقیقت زنجیره هم‌ارزی میان «هویت مطلوب زنانه»، «زیبایی»، «صمیمیت و مهربانی»، «تواضع» و «اعتماد به نفس»، شکل می‌گیرد.

نکته قابل توجه در این مقطع، این است که در کارتون باری همان‌طور که ذکر شد، زیبایی اصالت دارد، این بدان معنی است که به نظر گفتمان کارتون باری، زنی مطلوب است که در ابتدا زیبا باشد؛ و به‌واسطه همین زیبایی می‌تواند برای خود شأن اجتماعی ایجاد کند؛ و به‌عنوان مسئله دوم، اینکه کسی که زیباتر است، دارای ویژگی‌های اخلاقی چون «صمیمیت و مهربانی» نیز است. این دو، در حقیقت در مقابل گفتمان‌هایی هستند که زن مطلوب را با محوریت «مفید برای اجتماع بودن» یا «فرزند آوری» یا «پرورش دهنده فرزند» یا «خوش‌اخلاق بودن» بدانند. این مسئله بدان معنی نیست که گفتمان باری مخالفتی با این معانی گفتمانی دارد، بلکه به این معنی است که دال مرکزی خود را زیبایی انتخاب می‌کند و آن‌را محور قرار می‌دهد. برای مثال زن مطلوب در گفتمان باری به هیچ وجه زن «خوش‌اخلاق» اما «نه‌چندان زیبا» قرار نمی‌گیرد.

همچنین باری شخصیت محبوبی است که شغل‌های بسیاری را از جمله مدل، آتش‌نشانی و ... را تجربه کرده است و در فعالیت‌های اجتماعی نیز حضور پررنگی دارد. او برای اجتماعش مفید است و - با توجه به دیگری‌های گفتمانی - با زن خانه‌داری که در خانه می‌ماند و شغل اجتماعی ندارد متفاوت است. او دوست دارد مشاغل مختلف را امتحان کند و در هر کاری نیز که وارد می‌شود موفق است. این مسئله به حدی جلوه‌گر است که او کلکسیون از لباس‌هایی دارد که مشاغل آن‌را تجربه کرده است. باری هیچ‌گاه در حال انجام فعالیت‌های خانه نیست، او دائماً یا به تفریح و لذت خود از زندگی می‌رسد یا به فعالیت‌های شغلی که دوست دارد. باری به مد بسیار اهمیت می‌دهد، بوتیک لباس دارد و سازنده و اشاعه دهنده مد نیز هست. تنوع، رنگارنگی و زیبایی لباس‌ها نیز در این وضعیت اهمیت پیدا می‌کند.

در باری هویت گفتمانی این‌گونه تصویر می‌شود که در جمع‌های دوستی لذت و شادی و امر

مطلوب حاصل می‌شود. در اینجا اهمیت شاد بودن و لذت بردن از زندگی - که در این جمع‌ها حاصل می‌شود - نیز جزئی از مؤلفه‌های گفتمانی هویت مطلوب زنانه شناسایی می‌شود. چنین جمع‌های دوستانه‌ای عموماً از ترکیب دختران و پسران تشکیل شده است. روابط دوستانه و صمیمی میان اعضای گروه - چه پسر و چه دختر - وجود دارد. چنین بازنمایی می‌شود که اگر برای مثال، پسرها با هم درجایی قرار گیرند و دختری نباشد، حوصله‌شان سر رفته و ساعات را به‌سختی می‌گذرانند. در حقیقت در اینجا زنجیره هم‌ارزی شکل می‌گیرد از اینکه، «شادی و لذت بردن از زندگی» در «ارتباط صمیمانه میان جنسیتی» حاصل می‌شود.

شخصیت «رکال» و «رایان» - که خواهر و برادر یکدیگر هستند - نمود هویت گفتمانی متخاصم در این کارتون هستند. این دو با وجود زیبایی و جذابیت نسبی‌شان به موقعیت‌های سوژگی نقش‌های مقابلشان (رایان به کین و رکال به باربی) حسادت می‌کنند. برای مثال رکال با اینکه زیبایی نسبی دارد اما به‌هیچ‌عنوان مهربان نیست بلکه عموماً آخلال‌کار و اذیت‌کننده در روابط دیگران است و با کنایه حرف می‌زند. او در حقیقت نمود کسی است که زیبایی نسبی دارد اما هم به دلیل نسبی بودن زیبایی‌اش هم به‌دلیل خلقیات ناپسندش، جذاب نیست. رایان هم به همین صورت است. او با اینکه یک سلبریتی و آوازه‌خوان است و جذابیت دارد، اما هیچ‌گاه در جلب توجه باربی موفق نیست. در چنین حالتی هویتی زنانه که در کنار زیبایی‌اش - البته زیبایی نسبی - به دنبال صمیمیت و دوستی نباشد و به انسان‌های دیگر محبت نکند، مذموم تلقی می‌شود. ارتباط انسانی صمیمی در اینجا بسیار مهم تلقی می‌شود. اساساً شخصیت رکال هم به نحوی است که عموماً با دیگران نمی‌جوشد و بر اختلافات با دیگران تکیه می‌کند؛ او از کنار دوستان بودن لذت نمی‌برد.

گفتمان کارتون باربی از گفتمانی نشأت گرفته که زیبایی زن را «عموماً» در موهای بلوند، بدنی لاغر و چشمانی آبی تعریف می‌کند. به‌طور مشخص هر دو شخصیت مطلوب کارتون - یعنی باربی (به همراه خانواده‌اش) و کین - بلوند و چشم آبی هستند، این در حالی است که شخصیت‌های گفتمان متخاصم هر دو موهایی تیره و چشمانی قهوه‌ای دارند. در اینجا مشخص می‌گردد آنها از گفتمانی آمده‌اند که زیبایی اصیل را زیبایی غربی می‌دانند و این گفتمان در مقابل گفتمان‌هایی است که زیبایی را در چهره‌ای دیگر تعریف می‌کنند.

همچنین با توجه به اینکه باربی و دوست‌پسرش هر دو سفیدپوست هستند، زیبایی در

سفیدپوستی هم تعریف می‌شود - حتی با اینکه باری دوستان نسبتاً زیبایی هم دارد که سیاه‌پوست هستند. نکته دیگر اینکه زنان در وضعیت‌هایی برای زیباتر جلوه‌گر شدن بعضاً لباس‌هایی اندام نما و نیمه برهنه نیز می‌پوشند؛ این مسئله فارغ از زمانی است که به حساب شنا یا مسائل دیگر اقدام به پوشیدن چنین لباس‌هایی می‌کنند.

در این وضعیت، «زیبایی» در زنجیره هم‌ارزی «سفیدپوستی»، «موهای بلوند»، «بدنی لاغر»، «لباس نیمه برهنه و اندام نما» و «چشم‌انداز آبی» قرار می‌گیرد. لوازم‌آرایش و استفاده از آنها نیز در روابط اجتماعی و زیبا‌نمایش دادن خود بسیار اهمیت دارد. کمبود لوازم‌آرایش مشکل جدی برای باری، دوستانش و حتی خواهران کوچک‌تر وی ایجاد می‌کند. این مشکل حتی برای مردان نیز در بعضی اوقات مشکل ایجاد کرده است. در مقابل این ایده‌گفتمانی گفتمان‌هایی قد علم می‌کنند که به سادگی صورت و عدم یا کم استفاده کردن از لوازم‌آرایش پایبند هستند. در این وضعیت آرایش کردن به عنوان بُعدی جدی در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه شناسایی می‌شود.

در یکی از قسمت‌های این انیمیشن، اهمیت لوازم‌آرایش و وابستگی زندگی زنانه به آن، به‌طور آشکاری نمایش داده شده است. در این قسمت، شهر محل زندگی باری دچار کمبود مواد براق‌کننده برای زیبایی می‌شود و به همین دلیل شهر با چالش جدی مواجه می‌گردد. در این میان کین - دوست‌پسر باری - سعی دارد مشکل باری در کمبود مواد براق‌کننده را حل کند. در صحنه‌ای از این قسمت، مجری خبر به سراغ باری رفته و درباره این مسئله با او گفت‌وگو می‌کند:

- مجری خبر: شهر «ملیبو» دیگه براق‌کننده نداره. یکی از اعضای طرفداران براق‌کننده از مردم خواسته که نگران نباشند.

- باری: من از همه طرفدارام می‌خوام که آرامش خودشون رو کاملاً حفظ کنند. نگران هم نباشید. من مطمئنم که همه ما به زودی دوباره براق‌کننده خواهیم داشت.

مجموعاً مشخص است که دلیلی که لزوم توجه به آرایش کردن را بدیهی کرده است، اهمیت زیبا‌نمایش دادن زن است که به عنوان دال مرکزی این گفتمان قابل‌شناسایی است. همچنین سلیقه داشتن و خوش‌پوش بودن نیز جزئی از هویت زنانه است. آنها لازم است که لباس‌های زیبا بپوشند و در این وضعیت مورد تحسین دوستان پسر و دختر قرار گیرند.

با واسازی صورت گرفته و استفاده از تکنیک مقایسه و تعویض، یک پیوند گفتمانی بدیهی شده دیگر شناسایی می‌شود. آنچه از رابطه جنسیت زن و مرد در باری می‌بینیم، رابطه دوستی با جنس مخالف است. این رابطه یک رابطه جنسی نمایش داده نمی‌شود بلکه بیشتر یک رابطه محبت‌آمیز نمایش داده شده است. نکته دیگر اینکه این رابطه صرفاً رابطه دوست‌دختر و پسری است و به هیچ‌عنوان صحبتی از ازدواج - چه به معنای رسمی آن و چه به معنای غیررسمی - نمی‌شود و در برخورد دو جنس موضوعیت ندارد. این رابطه مدت مشخصی ندارد و تا زمانی که هر یک از طرفین به دیگری علاقه داشته باشد، ادامه دارد. این رابطه، به راحتی و در صورت اینکه مثلاً، پسر دیگری بتواند نظر دوست‌دختر پسری را جلب می‌کند، می‌تواند تمام شود. در این میان نظر داشتن پسری دیگر به دختری که دوست‌پسر دارد بدیهی جلوه داده می‌شود؛ فارغ از نمایش مطلوبیت آن.

لازم به ذکر است، با نشانه‌هایی که کارتون باری در اختیار قرار می‌دهد، مشخص می‌شود یکی از معانی گفتمانی در حوزه رابطه دوست‌دختر و پسری بی‌ثبات بودن، شکننده بودن و موقتی بودن است. به گونه‌ای که مثلاً کین نگران است با تغییر احوالات باری یا ضعف در مقابل رایان در دادن هدیه مناسب به باری، دوست‌دخترش را از دست دهد.

اصولاً ارتباط پسران و دختران در کارتون باری آزاد است. محدودیتی - به استثنای مسائل جنسی که به علت نوع مخاطب انیمیشن، نمایش داده نمی‌شود - دیده نمی‌شود. دختران و پسران با یکدیگر در خانه هستند یا با هم بیرون می‌روند و فعالیت‌ها را در کنار هم انجام می‌دهند. در این وضعیت «رابطه مطلوب میان جنسیتی برای هویت مطلوب زنانه»، رابطه‌ای «دوستی»، «آزاد»، «موقتی»، «دلبخواهی و بدون تعهد رسمی» تصویر می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، رکال و رایان در بسیاری از اوقات تلاش می‌کنند، دوست دیگری را جلب کنند، برای مثال رایان تلاش می‌کند با زیر سؤال بردن کین، نگاه باری را متوجه خودش کند و کین را به کناری زند. بنابراین در این گفتمان رقابت بر سر به دست آوردن دوست دلخواه - حتی دوست دیگری - به شدت جدی است. در این وضعیت، شکننده بودن رابطه دوستی - حتی میان کین و باری - به‌طور جدی احساس می‌شود.

نکته دیگر در ذیل این معنای گفتمانی اینکه، به نظر می‌رسد یک نوع رقابت برای به دست آوردن مردان و زنان زیبا وجود دارد. رایان رقیب کین است در به دست آوردن باری زیبا، و رکال

و باری رقیب هستند در به دست آوردن کین خوش اندام. در اینجا این معنای گفتمانی را می توان شناسایی کرد که زیبا و خوش اندام بودن، عنصر اساسی خواسته شدن از طرف جنس مقابل است.

ب) «رقصندگان آسمان»: ۱ و ۲

خلاصه داستان: داستان رقصندگان آسمان از آنجا آغاز می شود که در شهری آسمانی به نام «وینگلند» بین دو برادر - «اسکای لِر» و «اسکای کلون» - که هر دو از پسران پادشاه می باشند، اختلاف پیش می آید و اسکای کلون که ذات پلیدی دارد، به دنبال غصب پادشاهی وینگلند می افتد. در این اختلاف، اسکای لِر که نماد پادشاه خوبی هاست پیروز می شود و با زنی مهربان که عاشقش است به نام «اسکای لا» ازدواج می کند. در ادامه اسکای کلون در مقاطع مختلف تلاش می کند امنیت وینگلند را به خطر بیندازد و با شکست دادن اسکای لِر بر تخت پادشاهی بنشیند. این خصومت ها ادامه می یابد تا اینکه روزی در درگیری میان این دو، پادشاه «اسکای لِر» از «اسکای کلون» شکست می خورد و به سرزمین «نیستی» وارد می شود، جایی که از آن بازگشتی نیست. در ادامه همسر وفادار و عاشقش ملکه اسکای لا فرمانروایی وینگلند را به عهده می گیرد و اسکای کلون همواره به دنبال سرنگونی پادشاهی اوست اما ملکه به همراه رقصندگان آسمان همیشه بر او پیروز می شود.

تحلیل گفتمان «رقصندگان آسمان»:

نخستین ایده قابل بررسی در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه، توانایی برابر زنان و مردان است. بازنمایی گفتمان کارتون از این معنای گفتمانی با محوری ترین موضوع آن بیان می شود. رقصندگان آسمان که حامی امنیت وینگلند هستند از گروهی رقااص شامل زنان و مردانی تشکیل شده که با هوشمندی خاص خود مشکلات خود در زندگی روزمره، همچنین خطرهایی را که متوجه وینگلند می شود را پشت سر می گذرانند. تفاوتی میان رقااصان مرد و زن وجود ندارد و از نظر قدرت عملکرد و هوشمندی به هم شبیه هستند. همگی آنها واجد صفاتی چون شجاعت و جسارت هستند و در مبارزه با شر مطلق «اسکای کلون» و در راستای هژمونیک کردن گفتمان خود در وینگلند با هم مبارزه می کنند.

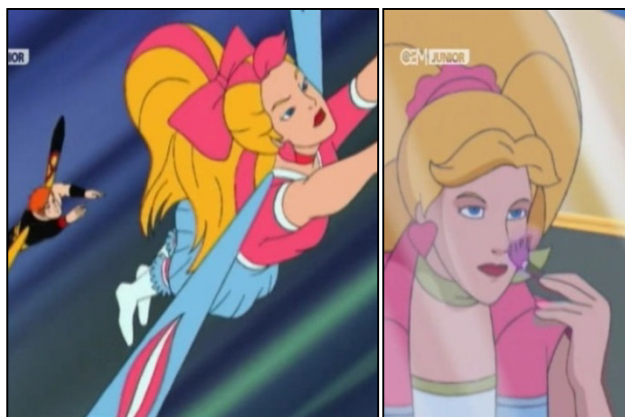
1. Sky Dancers

۲. محصول کشور: فرانسه، کمپانی سازنده: گامونت، سال ساخت: ۱۹۹۶، پخش از جم جونور در ساعت: ۱۱:۰۰ صبح.

در چنین وضعیتی دومین معنای محوری کارتون نیز فضایی برای برزو پیدا می‌کند. رقصندگان آسمان شامل اعضای زن و مردی هستند که همواره با همکاری گروهی و بامحبت و عشقی که به یکدیگر و مردم‌دارند با دشمن مبارزه می‌کنند. زنان و مردان بامحبتی پاک به یکدیگر و در یک فضای صمیمی اقدام می‌کنند و مشکلات شخصی همدیگر را حل می‌کنند. درواقع کارتون به نمایش رابطه‌ای میان آنها دست می‌زند که نمایان‌گر این مسئله است که پیروزی‌های گروه، ناشی از همین ارتباط قوی و مستمر زنان و مردان است و آنها بدون یاری یکدیگر و دوستی صمیمانه با یکدیگر قادر به پیروزی نیستند. درواقع هرگاه اعضای گروه با یکدیگر به اختلاف می‌خورند، اقدامات رقصندگان آسمان به پیروزی منتج نمی‌شود؛ تا زمانی که دوباره گروه با یکدیگر جمع شده و با همکاری دوستانی متشکل از دختر و پسر پیروزی رقم بخورد. این دال به‌عنوان دال مرکزی کارتون در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه شناخته می‌شود. در اینجا «ارتباط مستمر زنان و مردان»، «محبت به یکدیگر» و «دوستی» با هم در زنجیره هم‌ارزی «موفقیت» قرار گرفته‌اند.

در چنینی حالتی، در بازنمایی از گفتمان شر مطلق و نمود آن یعنی اسکای کلون، دوستی و گروهی عمل کردن هیچ جایگاهی ندارد. گفتمان شر مطلق عموماً برای هژمونیک کردن اهداف خود، یا روابطی مبتنی بر نیات خود با دشمنان و ینگ‌لند یا کسانی که اهداف پلید دیگری دارند، برقرار می‌کند یا از اختراعات و فناوری‌های دست‌ساخته برای رسیدن به اهدافش استفاده می‌کند. این در حالی است در گفتمان مطلوب رقصندگان آسمان، فعالیت‌های گروهی و دوستی‌ها ضامن پیروزی است. یکی از گزاره‌های بدیهی شده در این وضعیت، تصویر دوستی‌ها در دوستی‌های میان جنسیتی به‌جای دوستی‌های تک جنسیتی است.

در گفتمان رقصندگان آسمان، در رابطه میان دختر و پسری که به یکدیگر علاقه‌مند هستند، الزاماً تشکیل زندگی مشترک و زندگی زیر یک سقف معنا پیدا نمی‌کند؛ بلکه بیشتر در مرحله عشق‌ورزی و دوستی عاشقانه و خارج از زندگی مشترک و بالأخص ازدواج قرار دارد. البته بعضاً مواضعی پیش می‌آید که یکی از دو طرف به دنبال چیزی به‌عنوان عشق ابدی هستند اما این وضعیت به‌صورت همیشگی نیست؛ البته چنانچه به وقوع بپیوندد عشقی عمیق و همیشگی خواهد بود.



تصویر ۳. رقصندگان آسمان در میانه شجاعت، زیبایی، عشق و تعاملات اجتماعی
(منبع: شبکه جم‌جویور)

در مجموع از میان شخصیت‌هایی که در سریال به آنها ارجاع داده می‌شود تقریباً اغلب آنها درگیر زندگی مشترکی نیستند و بیشتر به صورت دوستی‌ها و با هم بودن‌ها زندگی می‌کنند؛ می‌توان گفت که بسیار کم زندگی‌های خانوادگی بازنمایی می‌شود و اغلب زندگی‌های دوست‌پسر و دختری بدون زندگی زیر یک سقف نمایش داده می‌شود.

در این میان فضایی استعاری نیز شکل می‌گیرد و آن اینکه نمایش روابط عاشقانه که میان دو جنس در برنامه‌های رقص شکل می‌گیرد، تأثیری در دوستی‌های خارج از آن و در فضای واقعی ندارد. در واقع در محیط کار نیز ممکن است به حسب فعالیت کاری، نگاه‌ها و روابط محبت‌آمیز رقم بخورد اما منافاتی با دوستی‌های عاشقانه خارج از کار ندارد.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که دختران به شدت به رابطه‌های عاشقانه وابستگی دارند و در صورت به هم خوردن آن دچار ناراحتی و صدمه روحی می‌شوند. در گفتمان این کارتون، در صورتی که پسران خوش‌اندام باشند و رقص مطلوب از خود به نمایش بگذارند، توجه دختران به آنها جلب شده و به دنبال کام گرفتن از و در آغوش رفتن آنها می‌روند. در این وضعیت تأکیدی بر اخلاق یا ویژگی دیگری از پسر یا دختر نمی‌شود بلکه تنها جذابیت وی مورد اهمیت تلقی می‌شود.

در این گفتمان ارتباطات اجتماعی اهمیت زیادی دارد و این ارتباطات اجتماعی لزوماً باید مبتنی بر یک مجموعه گزاره‌های اخلاقی باشد. زنان رقص‌افزای بخشنده هستند که در موقعیت‌های مختلف اعمال اخلاقی مختلفی از آنها سر می‌زند. حتی در زمانی که کسانی آنها را

مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند آنها با بخشندگی خود باعث شرمندگی طرف مقابل می‌شوند. همچنین این زنان افرادی متواضع و از حسادت بری هستند، و اعتقادی جدی به کمک به دیگران دارند.

نکته دیگر در این دال گفتمانی این است که راهنمای رقصندگان آسمان در حرکت به سمت امر مطلوب اخلاقی و محبت کردن به دیگران، خودشان هستند و به تعبیر دیگر، آنها دارای اخلاقی انسان بنیان هستند، و با گفتمان‌های دیگری که اخلاق را امری الهی و مذهبی می‌دانند، تفاوت می‌کند. در حقیقت راهنمای دیگری برای رقصندگان آسمان به سمت خیر جز خود و استادشان نیست.

ازجمله ایده‌های گفتمانی رقصندگان آسمان فعالیت اجتماعی و شغلی زنان است. زنان در این کارتون عموماً در اجتماع فعال هستند و حتی مسئولیت‌های بزرگی چون امنیت بخشی و مبارزه با شر در سرزمین وینگ‌لند را به عهده می‌گیرند و تنها زنانی که دارای توانایی و هنری نیستند، بدون فعالیت اجتماعی و شغلی جدی هستند.

زن مطلوب در گفتمان رقصندگان آسمان، در برابر مسائل و مشکلاتی که با آن روبرو می‌شود، تسلیم نمی‌شود بلکه مبارزه می‌کند و سعی در برطرف کردن آن می‌کند، او در عین شادی دارای اعتمادبه‌نفس است و می‌خواهد به دور از اجبار خانواده خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد و به علایقش بپردازد. به طوری که در بخشی از داستان دختری از گروه رقصندگان در برابر خانواده‌اش برای انتخاب هنر و شغل رقص ایستادگی و مخالفت می‌کند.

ازجمله معانی گفتمانی در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه در کارتون رقصندگان آسمان، می‌توان به ایده زیبایی زنان توجه کرد. زنان در این گفتمان عموماً زیبا هستند و زنانی که زیباترند بیشتر توجه پسران را جلب می‌کنند و این مسئله برای دختران نقطه قوتی است. زنان ماهیتاً علاقه‌مند به نمایش خود هستند. در این وضعیت یکی از ایده‌های پر قوت در این دال گفتمانی، اندام‌نمایی و نیمه برهنه بودن است، به نحوی که زیبایی در لباس‌هایی که نمایش هر چه بیشتر از اندام‌های زنانه داشته باشد، تعریف می‌شود - البته به‌جز ناحیه دامن و بالاتنه. به نظر می‌رسد این دال گفتمانی بر اساس مدل‌های آزادی و آزادی پوششی است که پیش‌ازاین بدیهی شده، و بدین صورت بروز پیدا کرده است.

«اسکوبی دو؛ راز گنجینه»: ۱ و ۲

خلاصه داستان: «ولما» دختری باهوش که به علم و فناوری علاقه زیادی دارد، «فرد» پسری که بزرگ‌ترین عشق زندگی‌اش تله و تله‌گذاری است، «دافنی» که دختری زیبا و جسور است و عاشق فرد، «شگی» که پسری آس و پاس و عاشق غذاست و به همراه سگشان اسکوبی دو - سگی که حرف می‌زند - در شهری به نام «خلیج کریستال» زندگی می‌کنند. آنها به واسطه علاقه زیادشان به معماها و حل آن، انجمنی به نام انجمن سری حل معما تشکیل می‌دهند. آنها در شهری زندگی می‌کنند که «اسرارآمیزترین نقطه زمین» است. اعضای انجمن حل معما در هر قسمت با ماجرای عجیب روبرو می‌شوند که در ابتدا به نظر می‌رسد ماهیتی اسرارآمیز و ماورا الطبیعه دارد، اما با پیگیری جسورانه‌ای که صورت می‌دهند و هوشمندی خود متوجه می‌شوند که فرد یا گروهی که در نقاب موجودی ماورا الطبیعه خود را پنهان کرده، در پشت قضیه است و اوست که مردم شهر را برای به دست آوردن منافعش آزار می‌دهد و امنیت شهر را بر هم می‌زند. آنها در طول ماجراهای خود و کشف حقایق معماها، متوجه معمای بسیار اسرارآمیزی می‌شوند. این معما پیچیدگی‌های زیادی دارد ولی گروه حل معما در هر قسمت نشانه‌ای برای حل آن به دست می‌آورد. آنها به مرور متوجه می‌شوند که این معما با معماهای پیشینی که درصدد پاسخ به آن بوده‌اند، متفاوت است و به وسیله منطق‌های علمی و تجربه‌پذیری که معماهای پیشین را با آن حل می‌کرده‌اند، نمی‌توانند آن را حل کنند. در این میان انجمن سری حل معما متوجه می‌شوند گروه دیگری که پیش از آنها به دنبال حل معماها بوده‌اند نیز درصدد پاسخ به این معمای اسرارآمیز هستند. این دو گروه مقابله‌های متعددی با هم صورت می‌دهند؛ این در حالی است که گروه دوم به دنبال به دست آوردن قدرت بیشتر است و نه نفع مردم. در نهایت، اعضای انجمن سری، با تکمیل پازل معما متوجه می‌شوند، شیطانی در اعماق زمین خلیج کریستال حضور دارد و سرخ معماها به او مرتبط می‌شود. آنها می‌فهمند که شرارت و اسراری که در خلیج کریستال وجود دارد همه و همه به این موجود شیطانی برمی‌گردد. نهایتاً انجمن سری حل معما با هوشمندی و قلب پاک خود و به واسطه دوستی عمیقی که با هم دارند، می‌توانند موجود شیطانی را نابود کنند و با این کار همه‌چیز در خلیج کریستال عوض می‌شود و همه شرارت‌ها در این خلیج از بین می‌روند.

1. Scooby-Doo! Mystery Incorporated

۲. محصول کشور: امریکا، کمپانی سازنده: هانا-بابارا، سال ساخت: ۲۰۱۲، پخش از جم جونور در ساعت: ۱۹:۰۰.

تحلیل گفتمان «اسکوبی دو؛ راز گنجینه»

در حوزه نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه در کارتون اسکوبی دو، ما با هویت واحدی از زن مطلوب روبرو نیستیم؛ درواقع دو نوع هویت غیرمتخاصم از زن در این کارتون بازنمایی می‌شود. دال‌های گفتمانی هر دو هویت دارای اجزایی بعضاً یکسان هستند اما دال مرکزی هر کدام از آنها با یکدیگر تفاوت می‌کند.

ولما دختری باهوش است که بسیار به گزاره‌های علمی معتقد است و در طول کارتون بارها به‌واسطه استفاده از چنین گزاره‌هایی می‌تواند حقیقت را از پس چهره‌های نقاب زده افرادی که تحت تأثیر شیطان قرار گرفته‌اند، شناسایی کند.

ماهیت گزاره‌های علمی که ولما به آن معتقد است، گزاره‌هایی چون منطق، استدلال استقرایی و معنادار بودن پدیده‌هاست که به نظر از گفتمان فلسفه تحلیلی و به‌تبع آن گفتمان خردتری چون پوزیتیویسم می‌آید. وی به‌واسطه بدیهی بودن چنین گزاره‌هایی برای خود، اعتقادی به پدیده‌های ماورا الطبیعه ندارد و گفتمان‌های معتقد به ماورا الطبیعه را به‌عنوان گفتمان‌های متخاصم با گفتمان خود شناسایی می‌کند. اما همه‌چیز به خواست او پیش نمی‌رود؛ درواقع با مواجه شدن انجمن حل معما با پدیده‌ای شیطانی که دیگر با گزاره‌های علمی پیشین قابل اثبات نیست، در نظر ولما هویتی که برخاسته از این گزاره‌ها بوده از هژمونی بیرون می‌آید و به امر سیاسی بدل می‌شود؛ درواقع گفتمان علمی‌ای که ولما بدان معتقد است، به انسداد می‌رسد. در چنین وضعیتی ولما سخت درگیر دست‌اندازی به سازگاری با هویت جدید است؛ او درواقع به مداخله‌ای هژمونیک نیاز دارد تا بتواند به معماها و ابهامات زندگی خود پاسخ دهد.

او در کنکاش‌های عمیق خود در مورد مسائل ماورا الطبیعه، متوجه می‌شود که علم پیشرفته و فیزیک جدید وجود بُعدهای دیگر را قابل شناسایی می‌داند. در چنین وضعیتی هویت ولما به آرامش دست می‌یابد و متوجه می‌شود همچنان شناخت جهان و اثبات مسائل به‌واسطه گزاره‌های علمی قابل پاسخ‌دهی است.

همچنین ولما از خود تصویری به‌عنوان دختر زیبا ندارد. او می‌داند که زیبایی در مسائل مرتبط با زنان اهمیت دارد اما خود را زیبا نمی‌داند و حتی اقدامات عرفی معمول زنان همچون آرایش کردن را صورت نمی‌دهد - او در این کارتون تنها دختری است که خود را آرایش نمی‌کند. او به نسبت هویت دیگر زنانه‌ای که در اسکوبی دو تعریف می‌شود کمتر احساساتی است و باوجود

ارتباط احساسی ناکامی که با شگی دارد، تلاشی برای بازیابی عشق میان جنسیتی با شگی یا شخص دیگری نمی‌کند. اما در قسمتی از اسکوبی دو مسئله عدم زیبایی وی مورد چالش قرار می‌گیرد. ولما متوجه می‌شود، باوجود اینکه مادرش در نوجوانی بسیار شبیه وی بوده، با این حال بسیار جذاب به نظر می‌آمده، در این وضعیت ولما به تصویری زیبا از خود دست می‌یابد و متوجه زیبایی خود می‌شود؛ اما دال مرکزی خود را فراموش نمی‌کند و مادر وی نیز او را در این راه راهنمایی می‌کند تا درون هویت‌های عرفی از زنانه که به زن به‌عنوان هویتی صرفاً احساساتی و زیبا نگاه می‌شود، قرار نگیرد. مادر ولما برای عینیت‌سازی این امر برای دخترش، تعریفی دیگر از زیبایی ارائه می‌کند و زیبایی درونی و بطنی انسان را مورد اهمیت تلقی می‌کند و به دخترش قوت قلب می‌دهد که راه درستی را در حول دال مرکزی علم پیش گرفته است. در واقع در اینجا زیبایی در زنجیره‌ای هم‌ارز با سلامت نفس قرار می‌گیرد.



تصویر ۴. دوستی مهم‌ترین ویژگی انجمن سری حل معما / ولما در حال حل معما با گزاره‌ای علمی
(منبع: شبکه جم‌جویور)

هویت گفتمانی دیگری که از زن مطلوب در اسکوبی دو ارائه می‌شود، دافنی است. دافنی دختری از خانواده متمول است که در عین پولداری، هویت گفتمانی خود را بر محوریت آن تنظیم نکرده است. این در حالی است که محوریت گفتمان خانواده وی بر اساس پول و رفاه بنا شده است. در این حال او دختر به‌شدت احساساتی است، عاشق فرد است و محتاج توجه و ابراز علاقه او. تقریباً در اغلب قسمت‌های اسکوبی دو خواست دافنی بر مطالبه عشق از فرد را درمی‌یابیم؛ و البته ناکام بودن وی در این خواست، به دلیل اینکه فرد بیشتر از دافنی، به تله‌هایش علاقه دارد. او زیبایی خیره‌کننده‌ای دارد و برخلاف ولما به خود و زیبایی‌اش رسیدگی نیز می‌کند. تفاوت

دیگر هویت گفتمانی دافنی با ولما در این است که دافنی در مسائل مختلف بیشتر از ولما به مردان تکیه می‌کند. او در مواقع بسیاری در کنار فرد است و به وی تکیه می‌کند. همچنین دافنی بسیار بر زندگی و اهمیت آن نیز تأکید می‌کند و آن را پرارزش تلقی می‌کند.

از جمله دال‌های گفتمانی هویت زنانه که در هر دو این هویت‌های گفتمانی حضور دارد، هوشمندی و کاربرد عقل در برخورد با مسائل و مشکلات است. این دال گفتمانی حتی در هویت دافنی که دختر بسیار احساساتی است نیز بروز می‌کند و به واسطه این کاربرد عقل می‌تواند مسائلی که با آن روبروست را نیز حل کند. در این وضعیت ولما که از تمام اعضای گروه و حتی پسرها اطلاعات عمومی بیشتر و دانش و علم بیشتری از مسائل دارد، از فناوری‌های نوین استفاده‌های زیادی می‌کند. او بسیاری از معماهایی که انجمن حل معما با آن روبرو است را به واسطه استفاده از فناوری‌های روز حل می‌کند.

با توجه به ماهیت انجمن حل معما، اهل تحقیق، کاوشگری و ماجراجویی بودن اعضای آن نیز از جمله گزاره‌های بدیهی شده آنها است. شجاعت و جسارت آنها در کنار هوشمندی می‌تواند گره‌گشای بسیاری از وقایع پیش‌آمده باشد.

فارغ از دو هویت اصلی گفتمانی اسکوبی دو، در هویت گفتمانی زنانه‌ای که اسکوبی دو به تصویر می‌کشد، زنان بسیار احساساتی و رمانتیک هستند، آنها عاشق مردهای جذاب و خوش‌اندام هستند. آنها بسیار محتاج ابراز محبت و توجه از طرف دوست‌پسرشان هستند. با واسازی از ایده‌های گفتمانی پیشین در نظم گفتمانی زن مطلوب، می‌توان به گزاره بدیهی شده دیگر نیز دست‌یافت. رابطه عاشقانه زن و مرد عموماً به صورت رابطه‌ای دوستی تعریف می‌شود و نه رابطه‌ای که به صورت ازدواج درآید. به‌طور معمول ازدواج بعد از مدت‌ها آشنایی و دوستی رخ می‌دهد.

همان‌طور که پیش‌تر در مورد روایت اصلی داستان گفته شد، اعضای انجمن سری حل معما با شیطانی ماورا الطبیعه روبرو می‌شوند و درصدد شکست آن برمی‌آیند. در اینجا یکی از اصلی‌ترین دال‌های گفتمانی سریال مجال بروز پیدا می‌کند. آنها با دوستی، صمیمیت و عشقی که به هم دارند، می‌توانند با او مبارزه کرده و شکستش دهند. در این وضعیت «موفقیت» در زنجیره هم‌ارزی «گروه دوستی متشکل از دختر و پسر» و «صمیمیت و عشق اعضای گروه» قرار می‌گیرد.

در ادامه تبیین این دال گفتمانی باید گفت، شیطان در اسکوبی دو ادعا می‌کند که وی باعث شکل‌گیری انجمن حل معما و انجمن‌های سری دیگر - در زمان‌های گذشته - شده است و او

خالق دوستی‌های آنها و باعث دورهم جمع شدن آنها است. در چنین وضعیتی دوستان در انجمن سری این سؤال برایشان جدی می‌شود که آیا آنها به‌واقع دوست هم نیستند و به‌واسطه یک نیروی ماوراءالطبیعه شیطانی در کنار هم قرار گرفته‌اند یا عاشق یکدیگر شده‌اند. در انتهای سریال جوابی که به آن دست می‌یابند این است که دوستی و عشق آنها به یکدیگر ناشی از خود آنها بوده و این امر نیز ثابت می‌شود که شیطان دروغ می‌گوید و آنها به حقیقت عاشق و دوست هم هستند. این گزاره گفتمانی نیز در سطح کلان گفتمان‌های اجتماعی به نظر به گفته ژان پل سارتر از گزیستانسیالیست، نزدیک است.

فیلسوف فرانسوی ژان پل سارتر خود را به‌عنوان نماینده‌ای برای «گزیستانسیالیسم بی‌خدا» معرفی نمود. او کمتر نگران رد وجود خدا بود و بیشتر درصدد این بود که «انسان نیاز دارد... خود را باز یابد و درک کند که هیچ چیزی نمی‌تواند او را از خودش نجات دهد، حتی اثبات معتبر وجود خدا.» سارتر گفته است که نتیجه فرعی بی‌خدایی او این است که «اگر خدا وجود ندارد، حداقل یک موجود وجود دارد که در او وجود بر ماهیت مقدم است، موجودی که قبل از اینکه توسط هیچ مفهومی تعریف شود وجود دارد... این موجود انسان است.» پیامد عملی این شکل از بی‌خدایی توسط سارتر این‌طور بیان شده که چون هیچ قانون پیشینی یا ارزش مطلق برای استناد در مورد آنچه در رفتار انسان حاکمیت دارد وجود ندارد، انسان‌ها «محکوم» هستند تا آن را برای خودشان بسازند، و از این لحاظ «انسان» مسئول مطلق هر کاری است که انجام می‌دهد.^۱

در گفتمان اسکوبی دو اگر چیزی نیز فارغ از علم تلقی شود، گزاره‌های انسانی مانند دوستی، عشق و احساسات پاک انسانی است. در صحنه‌ای از کارتون گفته می‌شود که:

- بعضی وقت‌ها نباید فکر کنی، بعضی وقت‌ها باید به احساسات رجوع کنی تا چیزها معنی‌دار بشوند.

ایده گفتمانی دیگری که در نظم گفتمانی زنان حضور دارد، وجود تفاوت در میان زن و مرد است که این تفاوت درست است که در مسائلی چون احساسی بودن، و به دنبال جلب محبت بیشتری بودن بروز می‌کند، اما خللی در توانایی برابر آنها در حل مسائل و مشکلات ایجاد نمی‌کند. این وضعیت در فضایی آرمانی و استعاری ترسیم می‌شود.

اهمیت عمل اخلاقی نیز در این گفتمان برجسته است. این عمل اخلاقی به‌واسطه عشق و

۱. بی‌نام (۱۳۹۶). خداناباوری. ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد- فارسی، ۹ فروردین، ۱۳۹۶. (دسترسی در ۱۳۹۶/۱/۱۱)

محبت انسانی در قالب کمک به دیگران و حل مشکلات آنها بروز پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که می‌توان چنین گزاره‌هایی را در قالب اخلاق انسانی معرفی کرد؛ اخلاقی که در اسکوبی دو از آن صحبت می‌شود، اخلاقی انسانی است که در اصالت آن به گزاره‌های مذهبی متمسک نمی‌شود. این نوع اصالت انسان به نظر می‌رسد با گفتمان‌های اومانستی همسان باشد و در مقابل رویکردهای خدامحوری که اصالت هر چیزی را به خدا نسبت می‌دهند. در این وضعیت اصالت انسان‌گرایی به‌عنوان یکی از دال‌های مهم اسکوبی‌دو شناسایی می‌شود. همچنین زنان در کارتون همواره درگیر فعالیت‌های اجتماعی هستند. درواقع وجود انجمن حل معما به‌عنوان انجمنی مدنی، درگیری زنان با امر اجتماعی را رقم‌زده است. در اینجا باید به این سؤال پاسخ دهیم که آیا دال مرکزی گفتمان کارتون اسکوبی‌دو، بر اساس غلبه هویت گفتمان ولما است یا دافنی. با توجه به هژمونیک بودن هویت گفتمانی دافنی با دال پر قدرت «زیبایی در عین عشق و صمیمیت» در میان تقریباً تمام هویت‌های زنانه بازنمایی شده در اسکوبی‌دو می‌توان گفت که هویت گفتمانی ولما محوریت و پرچم‌دار هویت زنانه در گفتمان این کارتون نمی‌تواند باشد. این مسئله را می‌توان به این‌گونه تعبیر کرد که با توجه به اینکه ولما خود را زیبا نمی‌پندارد، به دنبال هویتی جایگزین از خود می‌رود، او با مداخله‌ای هژمونیک، دال مرکزی علم‌گرایی را برای خود برمی‌گزیند که برخلاف عموم دوستانش است. در این مرحله هویت گفتمانی ولما به‌عنوان هویت جایگزینی برای هویت اصلی در نظم گفتمانی زنانه مطرح می‌شود. در این وضعیت باید به دنبال فهم دال مرکزی این گفتمان در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه باشیم. در کنار اهمیت «زیبایی» و «عشق و صمیمیت»، یک معنای گفتمانی مهم دیگر نیز شناسایی می‌شود که می‌تواند به‌عنوان دال مرکزی شناسایی شود. این دال «اهمیت ارتباطات دوستی و اجتماعی بودن» است که درواقع دال مرکزی کلیت این فصل از سریال نیز است. درواقع آنجا رنگ دهنده‌گی و قدرت این دال آشکار می‌شود که در قسمت آخر این فصل، گروه انجمن حل معما به‌واسطه قدرت دوستی‌شان توانستند شیطان را شکست دهند؛ دوستی و عشقی که درونی و انسانی است. به همین سبب دال مرکزی شناسایی شده برای گفتمان اسکوبی‌دو در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه «اجتماعی بودن» با تعریف (زنجیره هم‌ارزی) «صمیمیت در آن» در نظر گرفته می‌شود و «علم‌گرایی» و حتی «زیبایی» به‌عنوان دال‌های پیرامونی تعریف می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در بخش یافته‌ها، گفتمان کارتون‌های «باربی؛ زندگی در خانه رؤیایی»، «رقصندگان آسمان» و «اسکوبی دو» مورد کنکاش و گفتمان‌کاوی قرار گرفت. در این بخش به یک جمع‌بندی از گفتمان شبکه جم‌جونیور در مجموع برنامه‌های مطالعه شده، در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه دست پیدا می‌کنیم. سه معنای گفتمانی «زیبایی و جذابیت»، «حضور اجتماعی» و «ارتباطات دوستی» به‌عنوان دال‌های مرکزی برنامه‌های مختلف شبکه جم‌جونیور در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه شناسایی شده‌اند.

با توجه به این معنای گفتمانی و دال‌های پیرامونی متعدد دیگری که در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه و در گفتمان شبکه جم‌جونیور مفصل‌بندی شده‌اند، می‌توان به یک دال مرکزی کلی برای این شبکه دست یافت. با استفاده از تکنیک «واسازی» و «بزرگنمایی جزئیات» درمی‌یابیم که یک دال گفتمانی وجود دارد که در همه‌جا حضور دارد و به‌عنوان اصلی‌ترین گزاره بدیهی بوده، جلوه داده می‌شود. این دال گفتمانی، رنگ دهنده به باقی معنای است و در زمینه همه آنها حضور دارد. دال مرکزی گفتمان شبکه جم‌جونیور در چارچوب برنامه‌های مطالعه شده «اجتماعی بودن» است. در جدول زیر دال‌های اصلی گفتمانی شبکه (مقوله‌بندی شده - کلی‌تر شده) به همراه تعریفی که از دال ارائه شده (خرده مقولات - دال‌های انضمامی)، ذکر شده است.

جدول ۱. مجموعه دال‌های گفتمانی شبکه جم‌جونیور در جمع برنامه‌های مطالعه شده،

در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه

دال‌های گفتمانی مرتبط	دال گفتمانی	دال‌های گفتمانی مرتبط	دال گفتمانی
عهده‌دار بودن مسئولیت‌های مهم	فعالیت شغلی	هویت گروهی داشتن	اجتماعی بودن
توانایی برابر با مردان		دوستی و صمیمیت عمیق	
وفادار بودن نسبت به عشق و همسر	روابط میان جنسیتی ^۱	گروهی عمل کردن	

۱. بعضی زیر مقولات که خودشان به‌عنوان دال کلی انتخاب شده‌اند، از ستون دال‌های مرتبط حذف گشته‌اند؛ مانند دال روابط میان جنسیتی که در ستون دال‌های مرتبط حضور داشت اما به دلیل انتخاب به‌عنوان «دال گفتمانی» - به‌واسطه اینکه می‌توانسته به‌عنوان استعاره یا شامل‌کننده دال‌های مرتبط دیگری باشد - از ستون دال‌های مرتبط حذف شده و تنها در ستون دال گفتمانی قرار گرفته است. هر دال گفتمانی که به‌عنوان مقوله آمده، در سطح کلیت خودش معنادار است و مورد اهمیت واقع شده است.

ادامهٔ جدول ۱. مجموعه دال‌های گفتمانی شبکه جم‌جونپور در جمع برنامه‌های مطالعه شده،
در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه

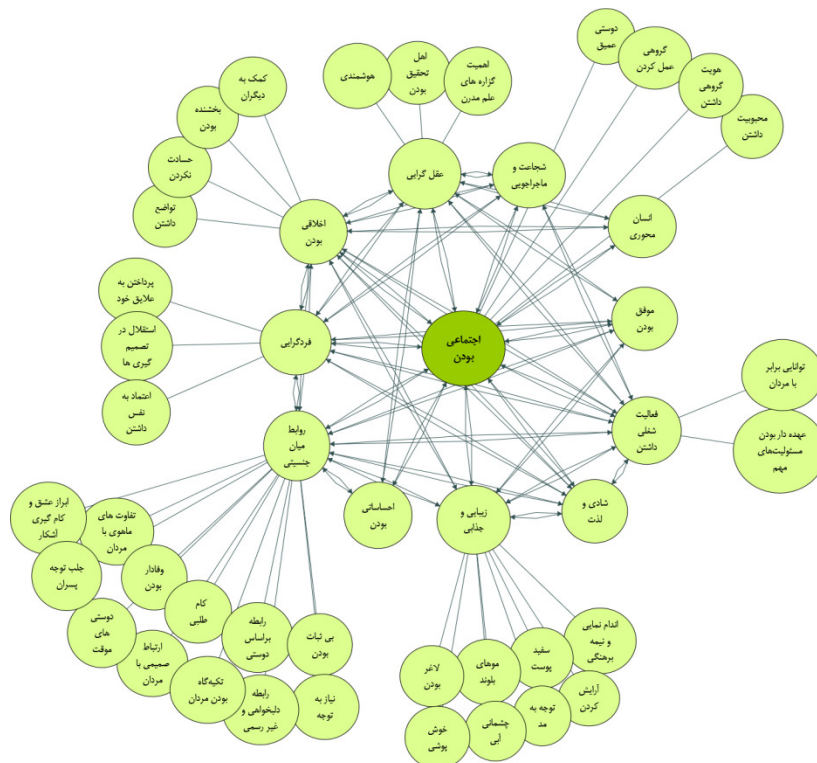
دال گفتمانی	دال‌های گفتمانی مرتبط	دال گفتمانی	دال‌های گفتمانی مرتبط
	دوستی و عشق انسان بنیان		رابطه بر اساس دوستی (دوست‌دختر و دوست‌پسر)
	فعالیت اجتماعی داشتن		بی‌ثبات بودن، شکننده بودن
	محبوبیت بیشتر		رابطه دلخواهی و غیررسمی
فردگرایی	استقلال در تصمیم‌گیری‌های شخصی		نیاز به توجه (مورد اهمیت واقع شدن توسط همسر یا دوست جنس مخالف)
	پرداختن به علایق خود		تکیه‌گاه بودن مردان
	اعتماد به نفس داشتن		دوستی‌های موقت
شجاعت و ماجراجوی بودن	کاوشگری و ماجراجویی بودن		ارتباط صمیمی با مردان
	شجاعت		تفاوت‌های ماهوی با مردان
زیبایی و جذابیت	چشم‌انداز آبی		کام‌طلبی
	خوش‌پوشی		جلب‌توجه پسران
	آرایش کردن		ابراز عشق و کام‌گیری آشکار
	توجه به مد		هوشمندی
	لاغر بودن		اهمیت دادن به گزاره‌های علم مدرن
	سفیدپوست		اهل تحقیق بودن
اخلاقی بودن	موهای بلوند	احساساتی بودن ^۱	
	اندام نمایی و نیمه برهنگی		موفق بودن ^۲
	بخشنده بودن	شاد بودن لذت بردن	
	کمک به دیگران		انسان محوری
	تواضع داشتن		
	حسادت نکردن		

۱. برای این دال‌ها، زیر مقوله‌ای تعریف نشده است.

۲. دال‌هایی مانند «موفق بودن» دال‌هایی بسیار کلی و مطلوب هستند که به این علت که عموماً مخالفی ندارند- و به‌عنوان معرفت بنیادین مطرح هستند- گفتمان‌ها به‌واسطه پیوند دال‌های دیگر به این‌گونه دال‌ها خود را مطلوب جلوه می‌دهند.

در مدل ترسیم شده زیر، مفصل‌بندی گفتمانی شبکه جم‌جونپور در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه، به صورت کامل نمایش داده شده است. در این مفصل‌بندی هر دایره، یک عنصر است که شبکه جم‌جونپور در گفتمان خود مفصل‌بندی کرده و به آن معنا بخشیده است. در این وضعیت آن دال شناور تبدیل به بُعد شده و دچار تثبیت معنا می‌شود. «زیبایی و جذابیت»، «روابط میان جنسیتی»، «اخلاق‌مداری» و ... دال‌های پیرامونی شبکه هستند که در حول دال مرکزی شناسایی شده، مفصل‌بندی گشته‌اند. در این وضعیت معانی گفتمانی و معنای دال مرکزی از نسبت میان دال‌های پیرامونی با دال مرکزی شکل می‌گیرند.

بعد از بیان مفصل‌بندی گفتمانی جم‌جونپور، فهم استراتژی‌هایی که گفتمان این شبکه برای هژمونیک کردن خود و حاشیه رانی گفتمان رقیب به کار می‌برند، حائز اهمیت است. در اینجا چند پرکتیس گفتمانی که اغلب توسط این گفتمان مورد استفاده قرار گرفته، فهرست شده است:



تصویر ۵. مفصل‌بندی دال‌های گفتمانی شبکه جم‌جونپور در مجموع برنامه‌ای مطالعه شده، در نظم گفتمانی هویت زنانه

جدول ۲. شماری از استراتژی‌های برنامه‌های مطالعه شده شبکه جم‌جویور، در راستای هژمونیک کردن معانی گفتمانی خود

هژمونیک کردن گفتمان خودی	واسازی دیگری
بازنمایی ایده‌های موافق خود در قالب شخصیت‌های مطلوب	بازنمایی ایده‌های مخالف خود در قالب شخصیت‌های مذموم
تنها گفتمان و ایده‌های موافق خود حضور دارند	عدم نمایش (نبود) گفتمان و ایده‌های گفتمان متخاصم
پیروزی ایده گفتمان موافق در جدال با ایده گفتمان متخاصم (در قالب هویت‌های متناسب به گفتمان)	شکست ایده گفتمان متخاصم در جدال با ایده گفتمان مطلوب (در قالب هویت‌های متناسب به گفتمان)
اعتبار دادن به ایده گفتمان موافق از طریق مورد تأیید قرار دادن	بی‌اعتبار کردن ایده گفتمان متخاصم از طریق مورد تمسخر قرار دادن
اعتبار دادن به ایده گفتمان موافق از طریق محبوب نشان دادن آن (همه‌گیر بودن)	بی‌اعتبار کردن ایده گفتمان متخاصم از طریق منزوی نشان دادن آن
عادی بودن و بدیهی بودن ایده و گفتمان خود	عجیب و غیر بدیهی بودن ایده و گفتمانی متخاصم
مفصل‌بندی دال‌های شناور جدید	نشان دادن دالی خالی در گفتمان رقیب
ایجاد فضایی استعاری و آرمانی در گفتمان خودی	ایجاد فضای انسداد گفتمانی در گفتمان رقیب
نسبت خودی دادن (داخلی) به گفتمان موافق	نسبت غیرخودی دادن (خارجی) به گفتمان رقیب

استراتژی‌های برشمرده شده، از یک الگوی کلی پیروی می‌کنند: «همراه کردن یا جفت کردن ایده‌های گفتمان موافق با ایده‌های کلی یا گفتمان‌های مطلوب در موقعیت زمانی جغرافیایی حال حاضر». آنچه در جدول شماره ۲ آمده است، تعدادی از ایده‌های عینیت‌یافته در موقعیت زمانی جغرافیایی حال حاضر است که همان‌طور که گفته شد، گفتمان‌ها از طریق برقراری پیوند میان آنها و دال‌های گفتمانی خود، سعی در هژمونیک کردن گفتمان خودی می‌کنند.^۱

لازم به ذکر است، با استفاده از فنون تعویض و مقایسه و کاربرد آن در مطالعه گفتمان شبکه جم‌جویور، گونه‌بندی از دال‌های گفتمانی شبکه جم‌جویور احصا شده است، که این موارد به شناخت بیشتر روح کلی حاکم بر این گفتمان کمک می‌کند:

- در گفتمان برنامه‌های مطالعه شده، مرجع اصیل دال‌ها انسانی است؛ بدین معنا که انسان و آنچه برداشت او از تفسیر جهان است، اصالت دارد. این‌گونه مفصل‌بندی مخالف رویکردهایی با محوریت الهی‌گرایی است.

۱. در ذیل تعدادی از ایده‌های رسوب‌کرده دیگر که گفتمان جم‌جویور در نظم گفتمانی هویت زنانه، ایده‌های سیاسی خود را با آنها پیوند می‌زند، فهرست شده است: عقل‌گرایی / دوستی و صمیمیت / انسانی بودن / موفقیت / پیشرفت / زیبایی و جذابیت / اخلاقی بودن / مهربانی / عشق / رضایت / همراه با افتخار نشان دادن / موفق بودن / با شادی و لذت بودن / قهرمانانه بودن / کمک به دیگران / خیرخواهانه بودن / فداکاری / آسمانی بودن / مقدس بودن و ...

- همچنین مسائل مطرح شده عموماً مادی و تجربه پذیر است و حتی بعضاً باهدف نفی ماورا الطبیعه روندها تبیین می شود؛ در انیمیشن باری و بالأخص اسکوبی دو این مورد به وضوح به چشم می خورد؛ اما در رقصندگان آسمان رویکردهای مخالف تجربه پذیری نیز وجود دارد و برجسته است.

- شبکه جم‌جویور پیوندهای گفتمانی خود را بر اساس آنچه در گفتمان‌های هژمونیک شده غربی به‌عنوان معرفت بنیادین تلقی می‌شود، صورت می‌دهد؛ در صورتی که در مقابل این وضعیت استفاده از ایستمه‌های محلی (معرفت‌های بنیادینی که در موقعیت زمانی جغرافیایی بافت معنایی جامعه ایران مورد توجه است) می‌تواند مبدأ شناخت تلقی گردد و به‌عنوان مرجع اصیل دال‌ها شناخته شود.

در پایان پژوهش حاضر اشاره به نکته‌ای حساس ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به مخاطب گسترده شبکه جم‌جویور در میان کودکان، لازم است که توجه جدی داشت به چرخش‌های معنایی که به‌واسطه پرکنیس‌های گفتمانی شبکه‌هایی چون جم‌جویور، در جامعه ایران ایجاد می‌شود. این تحولات معنایی می‌تواند کارکرد رسانه‌های داخلی را در رابطه با اثرگذاری آنچه به‌عنوان فرهنگ مطلوب جامعه ایرانی - اسلامی تلقی می‌شود، مختل کند. برای جلوگیری از این مسئله، ابتدا شناخت گفتمان‌های اثرگذار - و فهم دیگری‌های گفتمانی - محل تحقیق است؛ و در حین آن لازم است نهادهای سیاست‌گذار، مفصل‌بندی دقیقی از معرفت‌های بنیادین اصیل برای جامعه ایران تعریف کنند و همچنین تبیین رابطه دلالتی آنها را با مسائل انضمامی، موردتوجه جدی قرار دهند.

منابع و مأخذ

- پیر نجم‌الدین، حسین و دیگران (۱۳۸۹). گفتمان شرق‌شناسانه در بازنمایی‌های رسانه‌ای غرب از ایران. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۲: ۱۰۰-۸۳.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده و دیگران (۱۳۸۸). الگوهای قدرت در روابط بین نسلی، بازنمایی سریال‌های ایرانی تلویزیون: مطالعه شبکه‌های ۳و. **پژوهش‌نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲: ۱۳۸-۱۱۹.
- حسینی سروری، نجمه و طالبیان، حامد (۱۳۹۲). بازنمایی هویت طبقه متوسط مدرن شهری در آثار مصطفی مستور (تحلیل گفتمان رمان‌های استخوان خوک و دست‌های جذامی و من گنجشک نیستم). **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، شماره ۵۳: ۲۱۴-۱۷۹.
- ده‌صوفیانی، اعظم (۱۳۹۲). **کودک، انیمیشن و تلویزیون**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رایف، دانیل و دیگران (۱۳۸۸). **تحلیل پیام‌های رسانه‌ای؛ کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق**، (ترجمه: مهدخت بروجردی علوی). تهران: سروش.
- رضایی، محمد و افشار، سمیه (۱۳۸۹). بازنمایی جنسیتی سریال‌های تلویزیونی (مرگ تدریجی یک رؤیا- ترانه مادری). **زن در فرهنگ و هنر «پژوهش زنان»**، شماره ۴: ۹۴-۷۵.
- رضایی، محمد و کاظمی، عباس (۱۳۸۷). بازنمایی اقلیت‌های قومی در سریال‌های تلویزیونی. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۴: ۹۱-۷۸.
- رنجبر، هادی و دیگران (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. **مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران**، شماره ۳: ۲۵۰-۲۳۸.
- ساروخانی، باقر و رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان. **فصلنامه زن در توسعه و سیاست «پژوهش زنان»**، شماره ۱: ۹۱-۷۱.
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۹۱). **قدرت، گفتمان و زبان** (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران). تهران: نشر نی.
- عموزاده، محمد و اسفندیاری، نسیم (۱۳۹۱). بازنمون هویت اجتماعی در رسانه، بررسی روند تغییرات هویت اجتماعی زنان در سینمای پس از انقلاب اسلامی. **فصلنامه زن در فرهنگ و هنر**، شماره ۳: ۱۳۸-۱۱۹.
- کسرابی، محمد سالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی. **فصلنامه سیاست**، شماره ۳: ۳۶۰-۳۳۹.
- کلاتری، عبدالحسین (۱۳۹۰). **تحلیل گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی**. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- لکلاو، ارنستو و موفه، شانتال (۱۳۹۲). **هژمونی و استراتژی سوسیالیستی؛ به‌سوی سیاست دموکراتیک رادیکال**، (ترجمه: محمد رضایی). تهران: نشر ثالث.
- مرادی، علیرضا (۱۳۹۰). **تحلیل گفتمان سینمای جنگ**. پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- معینی‌فر، حشمت‌السادات (۱۳۸۸). بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه موردی صفحه حوادث روزنامه همشهری. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۷: ۱۹۷-۱۶۷.

هوارث، دیوید (۱۳۷۷). نظریه گفتمان. **فصلنامه علوم سیاسی**، (ترجمه: سید علی اصغر سلطانی)، شماره ۲: ۱۸۲-۱۵۶. یورگنسن، ماریانه و فیلیپس، لوئیز ج (۱۳۸۹). **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**، (ترجمه: هادی جلیلی). تهران: نشر نی.

بی نام (۱۳۹۶). **خداناباوری**. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد- فارسی، ۹ فروردین، ۱۳۹۶. (دسترسی در ۱۳۹۶/۱/۱۱)

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D9%88%D8%B1%DB%8C>

بی نام (۱۳۹۶). **چم تی وی**. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد- فارسی، ۶ فروردین، ۱۳۹۶. (دسترسی در ۱۳۹۶/۱/۱۱)

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D8%A7%D9%88%D8%B1%DB%8C>

Addie, Elizabeth & Brownlow, Charlotte (2014). Deficit and asset identity constructions of single women without children living in Australia: An analysis of Feminism Psychology, 24: 423-439. discourse

Bahaa-eddin, M. Mazid (2008). Cowboy and misanthrope: a critical (discourse) analysis of Bush and bin Laden cartoons. *Discourse & Communication*, 2(4): 433-457.

Duits, Linda (2010). The importance of popular media in everyday girl culture. *European Journal of Communication*, 25: 243-257.

Cultural studies and/in new worlds. Critical Studies in Mass .Grossberg, L (1993) *.Communication*, 10: 1-22

Heqemony and socialist stratege: Towards a Radical .Laclau, E. and Mouffe (1985) Democratic Politics. Verso: London

Martins, Nicole and Harrison, Kristen (2012). *Racial and Gender Differences in the Relationship Between Children's Television Use and Self-Esteem: A Longitudinal Panel Study*. *Communication Research*, 39(3): 338-357.

Paul Gee, James (1999). *Discourse Analysis, Theory and Method*. New York and London: Routledge.

(2010). Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English (eighth edition). Oxford: Oxford University Press.

Wodak, Ruth (2010). The glocalization of politics in television: Fiction or reality? *European Journal of Cultural Studies*, 13(1): 43-62.